

Submit Date: 30 September 2025

Revise Date: 17 February 2026

Accept Date: 24 February 2026

Initial Publish: 23 July 2026

Final Publish: 22 December 2026

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Examination of Mechanisms and Challenges in the Collection of Evidence in the Crime of Money Laundering in Iranian and English Criminal Law

Sina Puladi¹, Mazher Khajevand^{2*}, Ali Ghorbani³, Asghar Abbasi³

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Cha.C., Islamic Azad University, Chalus, Iran

2. Department of Criminal Law and Criminology, Nos.C., Islamic Azad University, Noshahr, Iran

3. Department of Criminal Law and Criminology, Cha.C., Islamic Azad University, Chalus, Iran

* Corresponding Author's Email: mazaher.khajvand@iau.ir

ABSTRACT

Money laundering, as one of the most complex transnational economic crimes, constitutes a serious threat to the integrity of financial systems and the effectiveness of criminal justice administration. The indirect nature of this offense—realized through the transformation, transfer, and concealment of proceeds derived from predicate crimes—has rendered its detection and proof a highly technical, multi-layered process dependent upon financial and digital evidence. The present study adopts a comparative approach to examine the mechanisms for evidence gathering in money laundering offenses within Iranian and English criminal law and analyzes the role of legal instruments, specialized institutions, and institutional approaches in both systems concerning the detection and evidentiary substantiation of this crime. The findings indicate that, within Iranian criminal law, the collection of money laundering evidence is primarily conducted within the framework of criminal procedure under the direct supervision of judicial authorities, while institutions such as the Financial Intelligence Unit and financial supervisory bodies perform supportive and non-independent roles in the evidentiary process. Although this approach emphasizes judicial legitimacy and the protection of citizens' rights, it encounters limitations regarding procedural efficiency, access to financial data, and the technical validation of evidence. In contrast, English criminal law, relying on the Proceeds of Crime Act 2002 and the Criminal Finances Act 2017, provides specialized authorities with a range of independent and preventive instruments—including production orders, bank account freezing orders, and unexplained wealth orders—which enable rapid and effective intervention in suspicious financial flows. The study concludes that enhancing the effectiveness of Iran's legal system in combating money laundering requires gradual legal reforms, strengthening the institutional role of the Financial Intelligence Unit, expanding financial legal instruments, and developing technical frameworks for the admissibility of financial and digital evidence. Such reforms may establish a reasonable balance between criminal justice efficiency and the protection of fundamental individual rights.

Keywords: Money laundering; Evidence gathering; Financial and digital evidence; Iranian criminal law; English criminal law; Criminal policy; Proceeds of crime.

How to cite: Puladi, S., Khajevand, M., Ghorbani, A., & Abbasi, A. (2026). Examination of Mechanisms and Challenges in the Collection of Evidence in the Crime of Money Laundering in Iranian and English Criminal Law. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(5), 1-20.



تاریخ ارسال: ۸ مهر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۸ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۵ اسفند ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۱ مرداد ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

بررسی سازوکارها و چالش‌های تدارک ادله در جرم پولشویی در حقوق کیفری ایران و انگلیس

سینا پولادی^۱، مظاهر خواجهوند^{۲*}، علی قربانی^۳، اصغر عباسی^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران

۲. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد نوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، نوشهر، ایران

۳. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: mazaher.khajvand@iau.ir

چکیده

پولشویی به عنوان یکی از جرایم اقتصادی پیچیده و فراملی، تهدیدی جدی برای سلامت نظام مالی و کارآمدی نظام عدالت کیفری محسوب می‌شود. ماهیت غیرمستقیم این جرم، که از طریق تغییر شکل، انتقال و اختفای عواید ناشی از جرایم منشأ تحقق می‌یابد، فرآیند کشف و اثبات آن را به امری فنی، چندسطحی و وابسته به ادله مالی و دیجیتال تبدیل کرده است. پژوهش حاضر با رویکردی تطبیقی، سازوکارهای تدارک ادله در جرم پولشویی را در حقوق کیفری ایران و انگلیس بررسی می‌کند و به تحلیل نقش ابزارهای قانونی، نهادهای تخصصی و رویکردهای نهادی دو نظام در کشف و اثبات این جرم می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در حقوق کیفری ایران، تدارک ادله پولشویی عمدتاً در چارچوب آیین دادرسی کیفری و تحت نظارت مستقیم مقام قضایی انجام می‌شود و نهادهایی مانند واحد اطلاعات مالی و مراجع نظارتی مالی، نقش حمایتی و غیرمستقل در فرآیند اثبات جرم دارند. این رویکرد، اگرچه بر مشروعیت قضایی و صیانت از حقوق شهروندی تأکید دارد، با محدودیت‌هایی از حیث سرعت، دسترسی به داده‌های مالی و اعتبارسنجی فنی ادله مواجهه است. در مقابل، حقوق کیفری انگلیس با اتکا به قانون عواید حاصل از جرم مصوب ۲۰۰۲ و قانون جرایم مالی مصوب ۲۰۱۷، مجموعه‌ای از ابزارهای مستقل و پیشگیرانه نظیر دستورات ارائه اسناد، توقیف حساب‌های بانکی و تبیین ثروت نامتعارف را در اختیار نهادهای تخصصی قرار داده است که امکان مداخله سریع و مؤثر در جریان‌های مالی مشکوک را فراهم می‌سازد. نتیجه‌گیری پژوهش حاکی از آن است که ارتقای کارآمدی نظام حقوقی ایران در مبارزه با پولشویی مستلزم اصلاحات تدریجی، تقویت نقش نهادی واحد اطلاعات مالی، توسعه ابزارهای قانونی مالی و تدوین چارچوب‌های فنی برای پذیرش ادله مالی و دیجیتال است؛ اصلاحاتی که می‌تواند تعادلی معقول میان کارآمدی کیفری و رعایت حقوق بنیادین اشخاص ایجاد کند.

کلیدواژگان: پولشویی؛ تدارک ادله؛ ادله مالی و دیجیتال؛ حقوق کیفری ایران؛ حقوق کیفری انگلیس؛ سیاست جنایی؛ عواید حاصل از جرم

نحوه استناددهی: پولادی، سینا، خواجهوند، مظاهر، قربانی، علی، و عباسی، اصغر. (۱۴۰۵). بررسی سازوکارها و چالش‌های تدارک ادله در جرم پولشویی در حقوق کیفری ایران و انگلیس.

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، ۴(۵)، ۱-۲۰.



ماهیت پیچیده، سازمان‌یافته و غالباً فراملی جرم پولشویی، فرآیند تدارک ادله اثبات آن را با دشواری‌های جدی مواجه می‌سازد. توزیع ادله در لایه‌های پنهان نظام مالی، استفاده از ابزارهای نوین پرداخت، حساب‌های واسط و شرکت‌های صوری موجب شده است که کشف و تحصیل ادله این جرم مستلزم دسترسی به داده‌های مالی حساس، بهره‌گیری از ابزارهای تخصصی تحقیق مالی و همکاری نهادی گسترده در سطح داخلی و بین‌المللی باشد. از این منظر، تدارک ادله پولشویی صرفاً یک موضوع آیین دادرسی کیفری نیست، بلکه با سیاست‌های نظارتی، نظام بانکی و راهبردهای کلان سیاست جنایی پیوند می‌خورد. در حقوق کیفری ایران، قانون مبارزه با پولشویی و اصلاح آن در سال ۱۳۹۷ با توسعه نقش واحد اطلاعات مالی و الزام اشخاص مشمول به گزارش معاملات مشکوک، گامی مهم در جهت تقویت شناسایی و ردیابی عواید مجرمانه برداشته است. با این حال، در مرحله اثبات کیفری، جرم پولشویی همچنان تابع قواعد عمومی ادله در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری است؛ قواعدی که اساساً برای جرایم کلاسیک طراحی شده‌اند و در مواجهه با جرایم مالی پیچیده و مبتنی بر داده‌های الکترونیکی کارایی محدودی دارند. این امر به ناهماهنگی میان اهداف سیاست جنایی تقنینی و توان عملی نظام ادله اثبات جرم منجر شده و در عمل می‌تواند موجب اطاله دادرسی یا ناکامی در تعقیب مؤثر مرتکبان شود. در مقابل، حقوق کیفری انگلیس با اتکا به قانون عواید حاصل از جرم مصوب ۲۰۰۲ و قانون جرایم مالی مصوب ۲۰۱۷، سازوکارهای مستقل و پیشگیرانه‌ای برای تدارک ادله مالی پیش‌بینی کرده است. ابزارهایی نظیر دستورات ارائه اسناد، توقیف حساب‌های بانکی و الزام به تبیین منشأ دارایی‌ها، در کنار نقش فعال نهادهای تخصصی مانند اداره مبارزه با جرائم مهم و سازمان ملی مبارزه با جرایم، نشان‌دهنده سیاست جنایی فعال و مداخله‌گرانه‌ای است که تدارک

ادله مالی را در کانون راهبرد مقابله با پولشویی قرار می‌دهد. در سطح نهادی، مراجع تخصصی همچون اداره مبارزه با جرائم مهم و سازمان ملی مبارزه با جرایم با برخورداری از اختیارات گسترده در زمینه دسترسی به اطلاعات بانکی، تحلیل جریان‌های مالی و هماهنگی با نهادهای نظارتی و قضایی، نقش محوری در تدارک ادله اثبات جرم پولشویی بر عهده دارند. این ساختار حقوقی و نهادی، بیانگر نوعی سیاست جنایی فعال و پیش‌دستانه در حقوق انگلیس است که در آن، تدارک ادله مالی نه صرفاً مرحله‌ای از دادرسی کیفری، بلکه هسته مرکزی راهبرد مقابله با پولشویی تلقی می‌شود. تفاوت‌های ساختاری میان حقوق کیفری ایران و انگلیس در حوزه ادله اثبات جرم، به‌ویژه در میزان انعطاف‌پذیری نظام ادله، نقش نهادهای تخصصی و جایگاه ابزارهای مالی و پیشگیرانه، زمینه‌ای مناسب برای مطالعه تطبیقی فراهم می‌سازد. بررسی این تفاوت‌ها می‌تواند نشان دهد که چگونه طراحی سازوکارهای خاص تدارک ادله در حقوق انگلیس، به افزایش کارآمدی تعقیب کیفری پولشویی منجر شده و چه ظرفیت‌هایی از این تجربه برای اصلاح نظام حقوقی ایران قابل بهره‌برداری است. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر تبیین و تحلیل سازوکارهای تدارک ادله در جرم پولشویی در حقوق کیفری ایران، با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی ۱۳۹۷، و مقایسه آن با حقوق کیفری انگلیس است. این تحقیق می‌کوشد ضمن شناسایی چالش‌های حقوقی و عملی موجود، راهکارهایی برای ارتقای کارآمدی نظام ادله اثبات جرم در ایران با الهام از تجربه حقوق انگلیس ارائه دهد. پرسش محوری پژوهش آن است که سازوکارهای تدارک ادله در جرم پولشویی در دو نظام حقوقی ایران و انگلیس چگونه تنظیم شده‌اند و با چه چالش‌هایی مواجه‌اند؟ فرضیه اصلی تحقیق بر این مبنا استوار است که حقوق انگلیس، به دلیل بهره‌گیری از ابزارهای پیشرفته کشف و تحصیل ادله مالی و نیز همکاری نهادی گسترده میان مراجع قضایی، نظارتی

می‌شود. این تعریف نشان می‌دهد که قانون‌گذار ایرانی عنصر «علم» را رکن اساسی تحقق جرم دانسته و پولشویی را جرمی عمدی تلقی کرده است که بدون احراز آگاهی مرتکب نسبت به منشأ مجرمانه اموال، قابل تحقق نیست (Ardebili, 2021).

در حقوق انگلیس، چارچوب اصلی جرم پولشویی در قانون عواید حاصل از جرم مصوب ۲۰۰۲ تنظیم شده است. این قانون به‌جای ارائه یک تعریف واحد، چند رفتار مجرمانه مستقل را ذیل عنوان پولشویی جرم‌انگاری می‌کند؛ از جمله پنهان‌سازی یا تغییر ماهیت اموال مجرمانه، ترتیب دادن یا تسهیل استفاده از عواید حاصل از جرم، و تحصیل یا تملک این عواید. در این نظام، در برخی موارد صرف «ظن معقول» نسبت به منشأ مجرمانه اموال برای تحقق مسئولیت کیفری کفایت می‌کند و احراز علم قطعی همواره ضروری نیست. این رویکرد نشان‌دهنده سیاست جنایی موسع و پیش‌گیرانه حقوق انگلیس در مقابله با جرایم مالی است (Ashworth, 2018).

از منظر عناصر سه‌گانه، عنصر قانونی جرم پولشویی در حقوق ایران مبتنی بر قانون اصلاح ۱۳۹۷ و مقررات تبعی آن است و در حقوق انگلیس بر قانون عواید حاصل از جرم ۲۰۰۲ و اصلاحات بعدی، از جمله قانون جرایم مالی ۲۰۱۷، استوار است. عنصر مادی جرم شامل مجموعه‌ای از افعال مثبت نسبت به اموال مجرمانه است و تحقق هر یک از این افعال، در صورت وجود سایر شرایط، برای تحقق جرم کفایت می‌کند. این افعال می‌تواند شامل انتقال وجوه از طریق نظام بانکی، تبدیل دارایی‌ها به اموال ظاهراً مشروع یا پنهان‌سازی منشأ واقعی آن‌ها باشد؛ برای مثال، سرمایه‌گذاری عواید حاصل از قاچاق در شرکت‌ها یا املاک (Smith, 2019).

عنصر معنوی جرم پولشویی در حقوق ایران مستلزم احراز علم مرتکب به منشأ نامشروع اموال است، در حالی که در حقوق انگلیس، علاوه بر علم، ظن معقول یا بی‌اعتنایی آگاهانه نسبت به

و مالی، در تدارک ادله جرم پولشویی کارآمدتر از حقوق کیفری ایران عمل می‌کند. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی تحلیلی و مبتنی بر مطالعه تطبیقی است. در این راستا، ضمن تحلیل قوانین و مقررات داخلی، به‌ویژه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی ۱۳۹۷، از اسناد تقنینی و رویه‌های اجرایی حقوق انگلیس و نیز گزارش‌های نهادهای بین‌المللی و تخصصی، از جمله گروه ویژه اقدام مالی^۱ و نهادهایی نظیر اداره رسیدگی به جرائم مهم، برای تبیین دقیق‌تر سازوکارها و چالش‌های موجود بهره گرفته شده است.

بحث نظری و مفهومی؛ جرم پولشویی و تدارک ادله

جرم پولشویی از جمله جرایم اقتصادی نوین است که در واکنش به گسترش جرایم سازمان‌یافته و پیچیده مالی در نظام‌های حقوقی مختلف جرم‌انگاری شده است. این جرم ناظر به رفتارهایی است که پس از ارتکاب جرم اصلی یا منشأ و نسبت به عواید حاصل از آن انجام می‌گیرد و هدف آن، پنهان‌سازی منشأ نامشروع اموال و اعطای ظاهر قانونی به آن‌هاست. پولشویی از این حیث نقش واسط میان جرم منشأ و بهره‌برداری نهایی از عواید مجرمانه را ایفا می‌کند و امکان تداوم فعالیت‌های مجرمانه را در سطح ملی و فراملی فراهم می‌سازد. از همین رو، سیاست جنایی معاصر، پولشویی را نه صرفاً یک جرم مالی، بلکه تهدیدی علیه نظم عمومی اقتصادی و سلامت نظام‌های مالی تلقی می‌کند (Mir Mohammad Sadeghi, 2020).

در حقوق ایران، تعریف قانونی جرم پولشویی در ماده ۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ ارائه شده است. مطابق این ماده، هرگونه تحصیل، تملک، نگهداری، استفاده، تبدیل، انتقال یا اختفای عواید حاصل از فعالیت‌های مجرمانه با علم به منشأ نامشروع آن‌ها، به‌منظور اعطای ظاهر قانونی یا کمک به فرار مرتکب جرم منشأ از آثار و تبعات قانونی، پولشویی محسوب

1. FATF

بر اعتبار ادله و امکان استناد قضایی به آن‌ها دارد (Goldstein, 2015).

در جرایم اقتصادی و به‌ویژه جرم پولشویی، ادله مالی و دیجیتال جایگاهی محوری در فرآیند تدارک ادله دارند. گردش‌های مالی، تراکنش‌های بانکی و داده‌های سامانه‌های الکترونیکی مهم‌ترین منابع اثبات در این جرم محسوب می‌شوند. این ادله غالباً ماهیتی فنی و غیرملموس دارند و تحصیل آن‌ها مستلزم رعایت دقیق الزامات قانونی و استفاده از کارشناسی تخصصی است (Levi & Reuter, 2006).

ادله اثبات جرم پولشویی واجد ویژگی‌های خاصی است که آن را از ادله رایج در جرایم سنتی متمایز می‌سازد. نخست، این ادله غالباً غیرمستقیم‌اند و مقام تعقیب ناگزیر از اتکا به قرائن و امارات مالی مانند الگوهای غیرعادی گردش وجوه، تعدد حساب‌ها و تراکنش‌های فاقد توجیه اقتصادی است؛ اماراتی که در صورت ارائه منسجم، می‌توانند علم قاضی را ایجاد کنند (Ashworth, 2018; Mir Mohammad Sadeghi, 2020). دوم، اسناد بانکی و مالی نقش محوری در اثبات جرم پولشویی دارند. صورت‌حساب‌ها، گزارش‌های تراکنش و اسناد مالی شرکت‌ها از مهم‌ترین ادله در اثبات منشأ نامشروع اموال و مسیر گردش آن‌ها هستند، هرچند استفاده از این اسناد مستلزم رعایت تشریفات قانونی و قواعد محرمانگی است (Khaleghi, 2015). سوم، داده‌های الکترونیکی و دیجیتال به‌عنوان بخش مهمی از زنجیره اثبات جرم پولشویی مطرح‌اند. این داده‌ها به‌دلیل ماهیت فنی، نیازمند استخراج و تحلیل تخصصی بوده و رعایت زنجیره نگهداری دلیل در مورد آن‌ها اهمیتی اساسی دارد (Casey, 2011). در نهایت، ادله جرم پولشویی به‌شدت متکی بر همکاری نهادی و بین‌المللی است. تبادل اطلاعات مالی، معاضدت قضایی و همکاری میان واحدهای اطلاعات مالی و نهادهای تخصصی داخلی و خارجی نقش تعیین‌کننده‌ای در تدارک ادله دارند. این

منشأ مجرمانه اموال نیز می‌تواند کفایت کند. این تفاوت موجب می‌شود که در نظام انگلیسی، دامنه مسئولیت کیفری گسترده‌تر باشد و فرآیند اثبات برای مقام تعقیب تا حدی تسهیل شود (Herring, 2020).

تمایز میان جرم منشأ و جرم پولشویی از حیث ماهوی اهمیت بنیادین دارد. جرم منشأ، جرمی است که به‌واسطه آن عواید نامشروع اولیه ایجاد می‌شود، مانند کلاهبرداری، ارتشا یا قاچاق مواد مخدر. در مقابل، پولشویی ناظر به رفتارهایی است که پس از تحقق جرم منشأ و نسبت به عواید آن انجام می‌شود. با این حال، در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلیس، اثبات محکومیت قطعی برای جرم منشأ همواره شرط لازم برای محکومیت به پولشویی نیست و دادگاه می‌تواند با احراز مجرمانه بودن منشأ اموال، حتی بدون شناسایی دقیق مرتکب جرم اصلی، رأی صادر کند. این رویکرد با هدف جلوگیری از مصونیت عواید مجرمانه و افزایش کارآمدی سیاست کیفری اتخاذ شده است.

مفهوم «تدارک ادله» در دادرسی کیفری ناظر به مجموعه اقداماتی است که از مرحله پس از وقوع جرم تا زمان ارائه دلیل نزد مرجع قضایی انجام می‌شود و شامل شناسایی، جمع‌آوری، حفظ، تحلیل و ارائه ادله قابل استناد در فرآیند اثبات دعوای کیفری است. تدارک ادله صرفاً به تحقیقات مقدماتی محدود نمی‌شود، بلکه فرایندی پیوسته و چندمرحله‌ای است که نقش اساسی در کشف حقیقت و صدور رأی عادلانه دارد (Ashouri, 2019).

در تحلیل مفهومی، تمایز میان کشف جرم، جمع‌آوری ادله و تحصیل و ارائه ادله ضروری است. کشف جرم ناظر به احراز اولیه وقوع رفتار مجرمانه است، در حالی که جمع‌آوری ادله به گردآوری دلایل مرتبط با عناصر جرم اختصاص دارد و تحصیل و ارائه ادله مرحله‌ای است که در آن داده‌های خام به دلایل قابل ارزیابی در دادگاه تبدیل می‌شوند. کیفیت هر یک از این مراحل تأثیر مستقیمی

ویژگی‌ها موجب شده است که ارزیابی ادله پولشویی مستلزم رویکردی کل‌نگر و انطباق قواعد اثبات با واقعیت‌های اقتصادی و فناورانه باشد.

سازوکارهای تدارک ادله پولشویی در حقوق ایران و انگلیس

در این قسمت به بررسی سازوکارهای تدارک ادله پولشویی در حقوق ایران و انگلیس پرداخته می‌شود.

چارچوب قانونی تدارک ادله در حقوق ایران و انگلیس

حقوق کیفری ایران

چارچوب قانونی تدارک ادله در جرم پولشویی در حقوق کیفری ایران بر پیوند میان قواعد ماهوی قانون مبارزه با پولشویی و قواعد شکلی قانون آیین دادرسی کیفری استوار است. بنیان ماهوی این نظام در **قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷** وضع شده است. مطابق **ماده ۲** این قانون، پولشویی عبارت است از «تحصیل، نگهداری، استفاده، تبدیل، مبادله یا انتقال عواید حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی با علم به منشأ مجرمانه آن». این تعریف، نخستین گام در تنظیم رابطه میان جرم منشأ و ادله مالی محسوب می‌شود و تأکید قانون‌گذار بر «علم به منشأ» نشان می‌دهد که عنصر ذهنی جرم، وابسته به شواهد مالی و تراکنشی است (Mir Mohammad Sadeghi, 2020).

مطابق **ماده ۴** همان قانون، اشخاص مشمول از جمله بانک‌ها، مؤسسات اعتباری، بیمه‌ها و صرافی‌ها مکلف‌اند مشتریان خود را شناسایی کرده، سوابق معاملات را نگهداری نموده و «گزارش معاملات و عملیات مشکوک» را به **واحد اطلاعات مالی** ارسال کنند. این الزام قانونی نقطه آغازی برای فرآیند تدارک ادله در مرحله پیش‌دادرسی است، زیرا گزارش‌های مالی یادشده مبنای ظن قضایی و تشکیل پرونده می‌شود (Heidari, 2018).

در **ماده ۵** قانون اصلاحی ۱۳۹۷، ترتیبات همکاری میان واحد اطلاعات مالی و مراجع قضایی و انتظامی تعیین شده است و تبصره این ماده تصریح دارد که واحد اطلاعات مالی می‌تواند

گزارش‌های دریافتی را پس از تحلیل، به دادستانی کل کشور یا مرجع قضایی صالح ارسال کند. این ماده جایگاه واحد اطلاعات مالی را به‌عنوان نهادی نیمه‌مستقل در تولید، پالایش و ارجاع ادله تثبیت می‌کند. برابر **آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۸** و اصلاحات ۱۳۹۸، واحد اطلاعات مالی زیر نظر بانک مرکزی عمل می‌کند و وظیفه دارد داده‌های خام مالی را به اطلاعات تحلیلی و ادله مؤثر در تعقیب کیفری تبدیل نماید (Bagherzadeh, 2015).

در سطح شکلی، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقررات صریحی درباره کشف جرم و تحصیل ادله در جرایم مالی دارد. مطابق **ماده ۶۴**، ضابطان دادگستری مکلف‌اند بلافاصله پس از اطلاع از وقوع جرم، مراتب را به مقام قضایی گزارش دهند و نسبت به حفظ آثار و جمع‌آوری ادله اقدام کنند. این ماده پایه قانونی برای آغاز رسمیت تدارک ادله در مرحله تحقیق مقدماتی است. همچنین **ماده ۹۲** همان قانون به بازپرس اجازه می‌دهد برای کشف حقیقت و جمع‌آوری دلایل، دستورات لازم را به ضابطان صادر کند، از جمله درخواست اطلاعات بانکی، مالی و ارتباطی مرتبط با جرم. بر اساس **ماده ۹۹**، بازپرس می‌تواند با اجازه دادستان، نسبت به بازرسی از محل وقوع جرم یا دسترسی به داده‌ها و اسناد دیجیتال اقدام کند، مشروط بر آنکه این اطلاعات به موضوع جرم مرتبط باشد (Khaleghi, 2015).

در اجرای مقررات فوق، دستورالعمل‌های مشترک بانک مرکزی و قوه قضاییه چون دستورالعمل نحوه همکاری در اجرای **ماده ۹۹** آیین دادرسی کیفری و **ماده ۴** قانون مبارزه با پولشویی (مصوب ۱۴۰۰) شیوه دسترسی مقام قضایی به اطلاعات مالی و بانکی را تنظیم کرده‌اند. این دستورالعمل‌ها با هدف حفظ محرمانه بودن داده‌های مالی، مقرر می‌دارند که دریافت اطلاعات تنها از طریق درخواست الکترونیکی رسمی و با ثبت شناسه قضایی ممکن است (Ashouri, 2019).

هسته اصلی این نظام، قانون عواید حاصل از جرم مصوب ۲۰۰۲ (Proceeds of Crime Act 2002) است که هم جرم پولشویی را تعریف می‌کند و هم ابزارهای گسترده‌ای برای کشف، تحصیل و تثبیت ادله مالی در اختیار مقامات صلاحیت‌دار قرار می‌دهد.

مطابق مواد ۳۲۷ تا ۳۲۹ این قانون، رفتارهایی نظیر پنهان‌سازی، تبدیل، انتقال، تملک، استفاده و نگهداری عواید حاصل از جرم، به‌عنوان جرایم پولشویی مستقل جرم‌انگاری شده‌اند. ماده ۳۴۰ نیز تعریف قانونی «عواید حاصل از جرم» و «پولشویی» را ارائه می‌دهد و تصریح می‌کند که برای تحقق این جرم، اثبات محکومیت قطعی نسبت به جرم منشأ ضروری نیست. این تفکیک مفهومی، مبنای مداخله زودهنگام نهادهای تحقیقاتی در مرحله پیش‌دادرسی و تسهیل تدارک ادله مالی محسوب می‌شود (Ashworth, 2018).

در حوزه ابزارهای تحصیل ادله، بخش هشتم قانون عواید حاصل از جرم به «اختیارات تحقیق» اختصاص یافته است. بر اساس مواد ۳۴۵ و ۳۴۶، دادگاه می‌تواند دستور ارائه اسناد (Production Orders) صادر کند و اشخاص حقیقی یا حقوقی، به‌ویژه بانک‌ها و مؤسسات مالی، را ملزم به تسلیم اسناد، داده‌ها و اطلاعات مرتبط با تحقیقات پولشویی نماید. این دستورات حتی در مرحله‌ای صادر می‌شوند که هنوز اتهام رسمی مطرح نشده و صرف وجود ظن معقول نسبت به پولشویی کفایت می‌کند (McLean & McLean, 2013).

علاوه بر این، مواد ۳۵۲ و ۳۵۳ قانون، امکان بازرسی و ضبط اسناد را در مواردی که خطر امحا یا مخفی‌سازی ادله وجود دارد، پیش‌بینی کرده است. همچنین مواد ۳۵۷ تا ۳۵۹، نهاد «دستور افشای اطلاعات» را مقرر کرده‌اند که به مقامات تحقیق اجازه می‌دهد اشخاص را ملزم به پاسخ‌گویی و ارائه اطلاعات مرتبط با جریان‌های مالی نمایند. این دستورات نقش محوری در تبدیل

در همین چارچوب، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و واحد اطلاعات مالی نقش کلیدی در تولید ادله ایفا می‌کنند. بر اساس ماده ۳ قانون مبارزه با پولشویی، تشکیل واحد اطلاعات مالی با تصویب شورای عالی مبارزه با پولشویی و در ساختار بانک مرکزی پیش‌بینی شده است. این واحد موظف است گزارش‌های معاملات مشکوک را تجزیه و تحلیل و در صورت احراز ظن قوی، آنها را به مراجع قضایی ارسال کند. چنین گزارشی در طبقه‌بندی ادله کیفری، «دلیل مقدماتی» محسوب می‌شود که می‌تواند مبنای صدور دستور تحقیق یا تعقیب قرار گیرد (Reuter & Truman, 2004).

از نظر نهادی، شورای عالی مبارزه با پولشویی به موجب ماده ۶ قانون مسئول سیاست‌گذاری، هماهنگی و نظارت کلان در این حوزه است و دستگاه‌های عضو شورا، شامل وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی، وزارت اطلاعات و قوه قضاییه، در تولید و تبادل ادله مالی نقش دارند. به این ترتیب، قانون‌گذار ایرانی ساختاری چندنهادی برای تدارک ادله پیش‌بینی کرده است که از سطح گزارش‌دهی مالی تا رسیدگی قضایی را پوشش می‌دهد (Sarikhani & Fathi, 2015).

با وجود این پیشرفت‌های قانونی، ساختار ایرانی هنوز دارای چالش‌هایی است؛ از جمله وابستگی شدید فرآیند کشف به مجوز قضایی، محدودیت دسترسی فی‌مابین نهادهای مالی و قضایی، و نبود وحدت رویه در پذیرش داده‌های الکترونیکی به‌عنوان دلیل مستقل. این دشواری‌ها نشان می‌دهد که گرچه قوانین ملی مسیر حقوقی تدارک ادله را تثبیت کرده‌اند، استقلال واقعی نهادهای مالی در تولید ادله هنوز کامل نشده است.

حقوق کیفری انگلیس

چارچوب قانونی تدارک ادله در جرم پولشویی در حقوق کیفری انگلیس مبتنی بر مجموعه‌ای از قوانین مالی و کیفری است که به‌صورت ساختاری از آیین دادرسی کیفری سنتی استقلال دارند.

اطلاعات خام مالی به ادله قابل استناد ایفا می‌کنند (Spencer, 2021).

از دیگر ابزارهای مهم تدارک ادله، می‌توان به دستورات اطلاعات مشتری اشاره کرد. مطابق مواد ۳۶۳ تا ۳۶۷ قانون عواید حاصل از جرم، دادگاه می‌تواند مؤسسات مالی را ملزم کند اطلاعات مربوط به هویت، حساب‌ها و تراکنش‌های مشتریان مشخص را ارائه دهند. همچنین مواد ۳۷۰ و ۳۷۱، دستورات پایش حساب را پیش‌بینی کرده‌اند که امکان نظارت مستمر بر گردش حساب‌های مشکوک را برای مدت معین فراهم می‌سازد. این ابزارها، ماهیت پویا و پیشگیرانه فرآیند تدارک ادله در حقوق انگلیس را برجسته می‌کنند (Rider, 2019).

قانون جرایم مالی مصوب ۲۰۱۷ (Criminal Finances Act 2017) با افزودن مواد A۳۶۲ تا T۳۶۲ به قانون عواید حاصل از جرم، نهاد «دستورات ثروت نامتعارف» را وارد نظام حقوقی انگلیس کرد. مطابق ماده B۳۶۲، دادگاه می‌تواند شخصی را که دارایی باارزش در اختیار دارد و ظن معقول به نامشروع بودن آن وجود دارد، مکلف کند منشأ قانونی دارایی خود را توضیح دهد. عدم ارائه توضیح قانع‌کننده می‌تواند مبنای اقدامات بعدی نظیر توقیف و ضبط اموال قرار گیرد. این نهاد، بدون نیاز به اثبات جرم پولشویی یا جرم منشأ، فرآیند تولید ادله مالی را فعال می‌سازد و جایگاه محوری ادله مالی در سیاست جنایی انگلیس را نشان می‌دهد (McFarlane, 2018).

در کنار این قوانین، مقررات مبارزه با پولشویی مصوب ۲۰۱۷ (Money Laundering, Terrorist Financing and Transfer of Funds Regulations 2017) چارچوب نظارتی مکملی ایجاد کرده‌اند. مقررات ۲۷ تا ۴۰ این مجموعه، مؤسسات مشمول را مکلف به شناسایی مشتری، ارزیابی ریسک، نگهداری سوابق و گزارش فعالیت‌های مشکوک می‌کند. این مقررات، گزارش‌های مالی را به منبعی اساسی از ادله غیرمستقیم

در پرونده‌های پولشویی تبدیل کرده و پیوندی نظام‌مند میان نظام مالی و فرآیند کیفری برقرار ساخته‌اند (Herring, 2020).

در مجموع، چارچوب قانونی انگلیس بر این فرض استوار است که تدارک ادله پولشویی باید پیش از ورود رسمی دادگاه آغاز شود و قواعد مالی و نظارتی، نقش مستقلی در تولید ادله ایفا کنند. این رویکرد، دامنه ادله قابل تحصیل را گسترش داده و امکان واکنش سریع و مؤثر نسبت به جریان‌های مالی مشکوک را فراهم می‌سازد.

تحلیل تطبیقی سازوکارهای تدارک ادله حقوق ایران و انگلیس

مقایسه چارچوب‌های حقوقی ایران و انگلیس در زمینه تدارک ادله جرم پولشویی نشان می‌دهد که تفاوت بنیادین این دو نظام نه صرفاً در تنوع ابزارهای قانونی، بلکه در جایگاه مفهومی «ادله» در سیاست جنایی هر کشور ریشه دارد. در حقوق کیفری ایران، تدارک ادله همچنان در چارچوب سنتی آیین دادرسی کیفری تعریف می‌شود و نقش قواعد مالی و نظارتی، علی‌رغم توسعه قانونی، در نهایت تابع مداخله و مجوز مقام قضایی باقی می‌ماند. در مقابل، حقوق کیفری انگلیس با اعطای نقش مستقل به قواعد مالی، فرآیند تولید ادله را از انحصار دادرسی کیفری خارج کرده و آن را به بخشی از سیاست پیشگیرانه و اداری مقابله با پولشویی تبدیل کرده است.

در نظام حقوقی ایران، قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ اگرچه دامنه اشخاص مشمول را گسترش داده و گزارش‌دهی معاملات مشکوک را الزام‌آور کرده است، اما این گزارش‌ها در ماهیت حقوقی خود بیشتر «اطلاعات مقدماتی» تلقی می‌شوند تا ادله مستقل. پذیرش و ارزش اثباتی این داده‌ها منوط به ورود رسمی مقام قضایی و تطبیق آنها با قواعد آیین دادرسی کیفری است. به همین دلیل، نقش واحد اطلاعات مالی و بانک مرکزی در تولید ادله، عمدتاً به مرحله پیش‌دادرسی محدود می‌شود و بدون اراده مقام قضایی قابلیت تبدیل مستقیم به دلیل اثباتی را ندارد (Mir Mohammad Sadeghi, 2020).

در نهایت، تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که حقوق کیفری ایران اگرچه از نظر تقنینی گام‌های مهمی در شناسایی نقش ادله مالی برداشته است، اما همچنان در چارچوبی واکنشی و دادرسی‌محور باقی مانده است. در مقابل، حقوق کیفری انگلیس با ادغام قواعد مالی، نظارتی و کیفری، تدارک ادله را به هسته اصلی سیاست جنایی مقابله با پولشویی تبدیل کرده است. این تفاوت رویکرد، منشأ اختلاف در کارآمدی عملی دو نظام در کشف، تعقیب و اثبات جرم پولشویی به شمار می‌آید و می‌تواند مبنایی برای اصلاح تدریجی ساختار حقوقی ایران با حفظ تضمین‌های دادرسی عادلانه باشد.

نهادهای مسئول تدارک ادله

حقوق کیفری ایران

نهادهای مسئول در تدارک ادله جرم پولشویی در حقوق کیفری ایران ساختاری چندسطحی دارند و بر همکاری میان مقام تعقیب، ضابطان خاص، واحد اطلاعات مالی و مراجع نظارتی بانکی و مالی استوارند. در رأس این نظام، دادسرا قرار دارد که مطابق ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مسئول کشف جرم و گردآوری دلایل اولیه است. مقام تعقیب یعنی دادستان و دایاران تابع وی وظیفه دارند بر اساس گزارش‌های دریافتی از مراجع مالی یا ضابطان خاص، تحقیقات مقدماتی را آغاز کنند. به موجب ماده ۹۲ همان قانون، دادستان می‌تواند به ضابطان دستور دهد اسناد مالی و بانکی مربوط به معاملات مشکوک را گردآوری و تحلیل کنند (Khaleghi, 2015).

ضابطان خاص دادگستری در حوزه پولشویی شامل واحدهای تخصصی پلیس اقتصادی، پلیس آگاهی، و کارشناسان مالی دارای مجوز رسمی از قوه قضاییه هستند. طبق ماده ۳۰ آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی ۱۳۸۸ و اصلاحات ۱۳۹۸، این ضابطان مکلف‌اند اطلاعات مرتبط با عملیات مشکوک را به واحد اطلاعات مالی گزارش کنند. کارکرد ضابطان خاص در این جرم، صرفاً

در مقابل، در حقوق انگلیس، قوانین مالی به‌ویژه قانون عواید حاصل از جرم ۲۰۰۲ و قانون جرایم مالی ۲۰۱۷، تولید ادله را به‌عنوان هدف مستقل قانون‌گذاری مالی تعریف کرده‌اند. ابزارهایی مانند دستورات ارائه اسناد، دستورات پایش حساب و دستورات ثروت نامتعارف این امکان را فراهم می‌کنند که حتی پیش از طرح اتهام کیفری، جریان‌های مالی مشکوک به‌صورت نظام‌مند مستندسازی شوند. در این چارچوب، ادله مالی نه صرفاً مکمل ادله کیفری، بلکه نقطه آغاز فرآیند تعقیب محسوب می‌شود (Ashworth, 2018; McFarlane, 2018).

از منظر نهادی، تفاوت دو نظام آشکارتر می‌شود. در ایران، نهادهای مالی و نظارتی از استقلال محدودی برخوردارند و در نهایت به‌عنوان بازوی اجرایی مقام قضایی عمل می‌کنند. این ساختار، هرچند از منظر تضمین حقوق دفاعی و حریم خصوصی قابل توجیه است، اما در عمل موجب کندی فرآیند کشف ادله و وابستگی شدید تحقیقات به تشریفات قضایی می‌شود. در مقابل، در انگلیس، نهادهایی مانند آژانس ملی جرایم و اداره مبارزه با جرائم مهم از اختیارات قانونی گسترده‌ای برای تحصیل، تحلیل و تثبیت ادله برخوردارند و تعامل آنها با دادگاه بیشتر در مرحله کنترل قضایی نهایی نمود پیدا می‌کند (Herring, 2020).

از حیث ماهیت ادله، حقوق ایران همچنان بر ادله مستقیم و سستی مانند اقرار، شهادت و اسناد رسمی تأکید بیشتری دارد و ادله مالی و دیجیتال غالباً نیازمند تقویت از طریق سایر دلایل هستند. در مقابل، حقوق انگلیس با پذیرش گسترده ادله غیرمستقیم، داده‌های مالی و الگوهای تراکنشی، استاندارد اثباتی انعطاف‌پذیرتری را در مراحل اولیه تحقیق اعمال می‌کند. این تفاوت نشان می‌دهد که نظام انگلیسی به‌جای تمرکز بر اثبات نهایی جرم، بر مدیریت ریسک و پیشگیری از استمرار جریان‌های مالی مجرمانه تمرکز دارد (Gilmore, 2011).

اقتصادی در مبارزه با پولشویی می‌گردد (Mousavi Esfahani, 2015).

حقوق کیفری انگلیس

در حقوق انگلیس، ساختار نهادی در تدارک ادله جرم پولشویی بر چندگانگی تخصصی و استقلال سازمانی بنا شده است. نخستین نهاد مؤثر اداره مبارزه با جرائم مهم است که به موجب بخش ۱ قانون عدالت کیفری ۱۹۸۷ اختیار قانونی برای تحقیق و گردآوری ادله در جرایم اقتصادی از جمله پولشویی دارد. این اداره می‌تواند بر اساس بخش‌های ۳۲۷ تا ۳۲۹ قانون عواید حاصل از جرم ۲۰۰۲ از اشخاص حقیقی یا حقوقی درخواست ارائه اسناد مالی کند و در صورت امتناع، از دادگاه دستور ارائه اسناد اخذ نماید (Smith, 2016).

سازمان ملی مبارزه با جرایم بر پایه بخش ۱ قانون جرایم دادگاه‌ها ۲۰۱۳ تأسیس شده و وظیفه هماهنگی ملی در مبارزه با جرایم سازمان‌یافته و مالی را دارد. به موجب بخش‌های ۳۴۰ و ۳۵۷ قانون عواید حاصل از جرم ۲۰۰۲، این سازمان اختیار دارد حساب‌های بانکی اشخاص مظنون را رصد کند و در صورت احراز ظن قوی به ارتکاب پولشویی، دستور مسدودسازی حساب یا توقیف وجوه صادر نماید. این اختیارات پیش‌دادرسی، نشانه استقلال نهادی سازمان ملی مبارزه با جرایم در تولید و تثبیت ادله مالی پیش از اقامه دعوی کیفری است (Montgomery, 2019).

در کنار آن، سازمان راهبرد امور مالی بریتانیا بر پایه مقررات مبارزه با پولشویی ۲۰۱۷ مأموریت دارد بر اجرای ضوابط ضدپولشویی در مؤسسات مالی نظارت کند. این سازمان می‌تواند داده‌های مالی مؤسسات زیر نظارت خود را با دستور افشای اسناد در اختیار اداره مبارزه با جرائم مهم یا سازمان ملی مبارزه با جرایم قرار دهد و به صورت مستقل نیز تحقیقات اداری انجام دهد (McFarlane, 2018).

گردآوری فیزیکی نیست بلکه جمع‌آوری اطلاعات تراکنشی و تطبیق هویت مالکیت دارایی‌ها را نیز شامل می‌شود (Sedghitabar, 2017).

واحد اطلاعات مالی، به‌عنوان نهاد محوری، به موجب ماده ۳ قانون مبارزه با پولشویی، با تصویب شورای عالی مبارزه با پولشویی در بانک مرکزی تشکیل شده است. وظیفه آن دریافت گزارش‌های تراکنش‌های مشکوک از اشخاص مشمول و تحلیل آنها است. پس از بررسی، چنانچه ظن قوی نسبت به منشأ مجرمانه وجوه ایجاد شود، گزارش نهایی را به دادستانی کل کشور یا مرجع قضایی صالح ارسال می‌کند. گزارش‌های تحلیل‌شده این واحد در دادرسی کیفری نقش دلیل مقدماتی دارند و می‌توانند مبنای صدور دستور تعقیب یا تحقیق قرار گیرند (Heidari, 2018).

مراجع نظارتی بانکی و مالی از جمله بانک مرکزی و سازمان بورس در نظام ایران وظیفه کنترل رعایت مقررات ضدپولشویی توسط مؤسسات مالی را بر عهده دارند. ماده ۷ قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی ۱۳۹۷ این مراجع را مکلف کرده است ترتیبات لازم برای «پایش مستمر» و «گزارش تخلف اشخاص مشمول» را فراهم کنند. همکاری آنها با واحد اطلاعات مالی بر پایه تبادل مستقیم داده‌های تراکنشی انجام می‌شود. بر اساس دستورالعمل نحوه همکاری سال ۱۴۰۰، این مراجع اختیار دارند اطلاعات مالی اشخاص مشکوک را به درخواست مقام قضایی یا واحد اطلاعات مالی ارائه دهند (Ashouri, 2019).

در مجموع، ساختار نهادی ایران مبتنی بر تمرکز سازمانی است؛ نهادهای مالی و نظارتی در نهایت زیر نظر مقام قضایی یا در تعامل نزدیک با واحد اطلاعات مالی عمل می‌کنند. این تمرکز هرچند موجب ضمانت حقوقی و هماهنگی در نظارت می‌شود، به علت سلسله‌مراتبی بودن و وابستگی شدید به مجوزهای قضایی، موجب کندی فرآیند جمع‌آوری ادله مالی و کاهش استقلال فنی نهادهای

در مقابل، در حقوق انگلیس، چندگانگی نهادی و اعطای اختیارات مستقیم به نهادهای غیرقضایی تخصصی در حوزه جرایم مالی موجب شده است که فرآیند تولید و تثبیت ادله از مرحله پیشنهادداری آغاز شود و بدون نیاز مستمر به مداخله قضایی، وارد چرخه تحلیل و پالایش گردد. استقلال نهادی این مراجع در دسترسی به داده‌های مالی، صدور دستورات اداری و تعامل با مؤسسات خصوصی، سبب افزایش چابکی در شناسایی جریان‌های مالی مجرمانه و گسترش دامنه ادله قابل استناد در محاکم کیفری شده است (Levi & Reuter, 2006).

به طور کلی، حقوق کیفری ایران همچنان ادله مالی را در ذیل ساختار سنتی دادرسی کیفری و تحت سیطره مقام قضایی تعریف می‌کند، در حالی که حقوق کیفری انگلیس با تفکیک نهادی میان دادرسی کیفری و مقررات مالی، ادله را به محور سیاست جنایی مقابله با پولشویی تبدیل کرده است. این تفاوت ساختاری، منشأ اصلی فاصله میان دو نظام در میزان کارآمدی واکنش کیفری، ظرفیت نظارتی و توان کشف جرایم نوپدید مالی محسوب می‌شود.

ابزارهای قانونی تدارک ادله

ابزارهای قانونی تدارک ادله در جرم پولشویی، بیانگر میزان مداخله دولت در حوزه مالی اشخاص و درجه استقلال فرآیند کشف ادله از دادرسی کیفری هستند. بررسی تطبیقی این ابزارها در حقوق کیفری ایران و انگلیس نشان می‌دهد که تفاوت بنیادین دو نظام، نه تنها در تنوع ابزارها، بلکه در فلسفه حاکم بر نقش ادله مالی در سیاست جنایی ضدپولشویی نهفته است.

حقوق کیفری ایران

در حقوق کیفری ایران، ابزارهای تدارک ادله پولشویی عمدتاً در چارچوب آیین دادرسی کیفری و تحت نظارت مستقیم مقام قضایی اعمال می‌شوند و ماهیتی تبعی نسبت به تعقیب کیفری دارند.

ویژگی مهم نظام انگلیس در این زمینه، تعامل فعال نهادهای مسئول با بخش خصوصی است. بانک‌ها، شرکت‌های حسابرسی و مؤسسات مالی خصوصی مکلف‌اند بر اساس مقررات بندهای ۲۸ و ۳۳ مقررات مبارزه با پولشویی ۲۰۱۷ احراز هویت مشتریان را انجام داده و معاملات مشکوک را گزارش کنند. این گزارش‌ها مستقیماً در سامانه گزارش معاملات مشکوک ثبت و به سازمان ملی مبارزه با جرایم ارسال می‌شود. ادله حاصل نه تنها برای آغاز تحقیقات، بلکه در مرحله محاکمه نیز قابلیت اثباتی دارند (Herring, 2020).

در مجموع، نظام انگلیس بر استقلال عملکرد نهادهای مالی و قضایی استوار است. ادله در این نظام نه فقط از مسیر قضایی، بلکه از طریق نهادهای اداری و مالی نیز تولید و تثبیت می‌شوند و نقش قاضی، عمدتاً در نظارت بر مشروعیت دستورات اداری خلاصه می‌گردد. این ساختار موجب افزایش سرعت و کارایی کشف جریان‌های مالی مجرمانه و انعطاف بیشتر در واکنش به جرایم نوپدید مالی شده است (Ashouri, 2019).

تحلیل تطبیقی

تطبیق نهادهای مسئول تدارک ادله در دو نظام حقوقی نشان می‌دهد که حقوق کیفری ایران بر تمرکز نهادی و نظارت قضایی استوار است، در حالی که حقوق کیفری انگلیس بر استقلال سازمانی و تخصص‌گرایی چندنهادی تأکید دارد. در نظام ایران، کلیه نهادهای تولیدکننده ادله مالی به نحوی به مقام قضایی وابسته‌اند و تصمیم‌گیری نهایی درباره قابلیت استفاده از ادله، صرفاً در چارچوب دادرسی کیفری و تحت نظارت دادسرا و دادگاه صورت می‌گیرد. این تمرکز نهادی، هرچند موجب تضمین حقوق دفاعی و شفافیت فرآیند اثبات می‌شود، اما در عمل سرعت و کارآمدی کشف ادله مالی را کاهش داده و واکنش نظام کیفری را نسبت به جرایم پیچیده اقتصادی با تأخیر مواجه می‌سازد (Karimi, 2023).

قضایی امکان‌پذیر است (Ardebili, 2021). این محدودیت، اگرچه تضمین‌کننده حریم خصوصی است، اما انعطاف‌پذیری نظام را در مواجهه با جرایم مالی پیچیده کاهش می‌دهد.

حقوق کیفری انگلیس

در حقوق کیفری انگلیس، ابزارهای تدارک ادله پولشویی ماهیتی مستقل، پیشادادرسی و غالباً اداری دارند و لزوماً به اثبات جرم منشأ یا آغاز رسمی تعقیب کیفری وابسته نیستند.

نخست، دستورات ارائه اسناد بر اساس مواد ۳۴۵ تا ۳۴۷ قانون عواید حاصل از جرم مصوب ۲۰۰۲ صادر می‌شوند. این مقررات به مراجع صلاحیت‌دار اجازه می‌دهد اشخاص حقیقی و حقوقی را ملزم به ارائه اسناد، اطلاعات و داده‌های مالی مرتبط با تحقیقات پولشویی نمایند. عدم تبعیت از این دستورات، خود واجد ضمانت اجرای کیفری مستقل است و همین امر، نقش الزام‌آور آن‌ها را در تولید ادله مالی تقویت می‌کند (Ashworth, 2018).

دوم، دستورات توقیف حساب بانکی است که به موجب مواد ۳۰۳ز۱ تا ۳۰۳ز۱۹ قانون عواید حاصل از جرم پیش‌بینی شده‌اند. این ابزار امکان مسدودسازی فوری حساب‌های بانکی مظنون به پولشویی را در مرحله پیشادادرسی فراهم می‌سازد، بدون آنکه اثبات جرم منشأ در این مرحله ضرورت داشته باشد. هدف اصلی این سازوکار، حفظ ادله مالی و جلوگیری از جابه‌جایی دارایی‌ها پیش از تکمیل تحقیقات است (Herring, 2020).

سوم، دستورات ثروت نامتعارف است که به موجب قانون جرایم مالی ۲۰۱۷ وارد نظام حقوقی انگلیس شد و در قالب مواد ۳۶۲الف تا ۳۶۲ث قانون عواید حاصل از جرم درج گردید. این دستورات اشخاصی را که دارایی آن‌ها با درآمد مشروع اعلامی تناسب ندارد، ملزم به توضیح درباره منشأ اموال می‌کند و در صورت عدم ارائه توضیح معقول، دارایی‌ها در معرض توقیف و ضبط قرار می‌گیرند. این سازوکار با جابه‌جایی محدود بار اثبات، نقش فعالی در تولید ادله مالی ایفا می‌کند (Montgomery, 2019).

نخست، استعلامات بانکی با دستور قضایی مهم‌ترین ابزار دستیابی به داده‌های مالی محسوب می‌شود. بر اساس ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، دادستان می‌تواند به ضابطان دادگستری دستور جمع‌آوری ادله از جمله اطلاعات بانکی را صادر کند و مطابق ماده ۹۹ همان قانون، دسترسی به اسناد، داده‌ها و اطلاعات مرتبط با جرم صرفاً تحت نظارت مقام قضایی مجاز است. این ساختار نشان می‌دهد که بانک‌ها و مؤسسات مالی بدون دستور قضایی، مجاز به افشای اطلاعات مشتریان نیستند (Sarikhani & Fathi, 2015).

دوم، توقیف و ردیابی اموال حاصل از پولشویی یا مرتبط با آن است. به موجب ماده ۷ قانون مبارزه با پولشویی اصلاحی ۱۳۹۷، مقام قضایی می‌تواند دستور توقیف اموال و عواید ناشی از جرم پولشویی را صادر کند و در صورت اثبات، حکم به ضبط آن‌ها دهد. هرچند این ابزار نقش مهمی در حفظ ادله مالی و جلوگیری از انتقال دارایی‌ها دارد، اما اعمال آن منوط به وجود پرونده کیفری و تصمیم قضایی است (Abbasi, 2021).

سوم، گزارش‌های معاملات مشکوک به‌عنوان ابزار پیشادادرسی تدارک ادله مطرح‌اند. مطابق ماده ۴ قانون مبارزه با پولشویی اصلاحی ۱۳۹۷، اشخاص مشمول از جمله بانک‌ها و مؤسسات مالی مکلف به شناسایی مشتری، نگهداری سوابق و گزارش معاملات مشکوک هستند. این گزارش‌ها در واحد اطلاعات مالی تجمیع و تحلیل شده و در صورت احراز ظن قوی، به مراجع قضایی ارسال می‌شوند. با این حال، این گزارش‌ها به‌تنهایی ارزش اثباتی مستقل ندارند و غالباً نقش آغازگر تعقیب کیفری را ایفا می‌کنند (Karimi, 2023).

چهارم، بازرسی و دسترسی به داده‌های مالی و دیجیتال است. ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری، کشف جرم و جمع‌آوری ادله را از وظایف مقام قضایی می‌داند و به موجب مواد ۹۲ و ۹۹ همان قانون، دسترسی به داده‌های الکترونیکی و مالی صرفاً با مجوز

اختیارات نهادی، تفسیر اصول بنیادین و تعارض میان کارآمدی کشف جرم و تضمین حقوق فردی دارند.

حقوق کیفری ایران

نخستین چالش، ضعف استقلال نهادی در مرحله کشف جرم و تدارک ادله است. مطابق ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، کشف جرم و جمع‌آوری ادله در صلاحیت مقام قضایی قرار دارد و سایر نهادها، از جمله ضابطان و واحد اطلاعات مالی، فاقد اختیار مستقل در این مرحله هستند. این تمرکز صلاحیت، هرچند با هدف تضمین دادرسی منصفانه طراحی شده، اما در جرایم مالی پیچیده موجب کندی واکنش و کاهش اثربخشی کشف ادله می‌شود (Ardebili, 2021).

چالش دوم، محدودیت دسترسی به اطلاعات بانکی و مالی است. بر اساس مواد ۹۲ و ۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری، دسترسی به داده‌های مالی اشخاص تنها با دستور قضایی امکان‌پذیر است و مؤسسات مالی اختیار ابتکار عمل در ارائه اطلاعات ندارند. این محدودیت، به‌ویژه در مرحله پیش‌دادرسی، فرآیند ردیابی جریان‌های مالی مشکوک را با تأخیر مواجه می‌کند (Sarikhani & Fathi, 2015).

چالش سوم، تعارض میان حریم خصوصی و ضرورت کشف جرم پولشویی است. هرچند حمایت از اسرار بانکی و اطلاعات مالی اشخاص، مستند به اصول قانون اساسی و قواعد عام حقوق کیفری است، اما غلبه نگاه محافظه‌کارانه در عمل موجب احتیاط بیش‌ازحد مراجع قضایی در صدور مجوزهای دسترسی می‌شود. نتیجه این وضعیت، تضعیف کارآمدی سیاست جنایی در مقابله با پولشویی است (Ansari Pirsaraei & Shahbahrani, 2014).

چهارمین چالش، نبود رویه قضایی منسجم در ارزیابی ادله مالی است. قوانین موجود، معیارهای روشنی برای ارزش‌گذاری گزارش‌های معاملات مشکوک، تحلیل‌های مالی و داده‌های بانکی

چهارم، الزام مؤسسات مالی به همکاری فعال در کشف و ارائه داده‌های مالی است. بر اساس مقررات مبارزه با پولشویی ۲۰۱۷، به‌ویژه مواد ۲۷ تا ۴۰ و ماده ۳۳، مؤسسات مالی مکلف‌اند نظام شناسایی مشتری، پایش مستمر تراکنش‌ها و نگهداری سوابق مالی را اجرا کرده و اطلاعات لازم را در اختیار نهادهای مسئول قرار دهند. این همکاری ساختاری، ادله مالی را به یکی از ارکان مستقل سیاست جنایی ضدپولشویی در حقوق انگلیس تبدیل کرده است (Levi & Reuter, 2006).

تحلیل تطبیقی

از حیث ماهیت الزام‌آوری، ابزارهای تدارک ادله در حقوق کیفری ایران عمدتاً تبعی و وابسته به تصمیم مقام قضایی هستند و بدون صدور دستور قضایی قابلیت اجرا ندارند. در مقابل، در حقوق کیفری انگلیس، بسیاری از ابزارها ماهیتی مستقل و الزام‌آور دارند و عدم تبعیت از آن‌ها خود منشأ مسئولیت کیفری یا اداری است. این تفاوت، موجب افزایش سرعت واکنش و کارآمدی نهادهای مسئول در کشف جریان‌های مالی مشکوک شده است. از منظر استقلال ابزارهای مالی از اثبات جرم منشأ، حقوق کیفری ایران همچنان اثبات یا حداقل ظن قوی به جرم منشأ را پیش‌فرض مداخله در دارایی‌ها می‌داند، در حالی که حقوق کیفری انگلیس با پذیرش استقلال نسبی جرم پولشویی، ابزارهایی را طراحی کرده است که صرفاً بر نامتعارف بودن وضعیت مالی یا خطر پولشویی تمرکز دارند. این رویکرد، ادله مالی را به محور اصلی سیاست ضدپولشویی تبدیل کرده و فاصله معناداری میان کارآمدی دو نظام در کشف و اثبات جرایم مالی ایجاد نموده است.

چالش‌های تدارک ادله در حقوق ایران و انگلیس

با وجود توسعه ابزارهای حقوقی برای مقابله با پولشویی، فرآیند تدارک ادله در هر دو نظام حقوق کیفری ایران و انگلیس با چالش‌های ساختاری و هنجاری مواجه است. این چالش‌ها بیش از آنکه ناشی از خلأ صریح تقنینی باشند، ریشه در نحوه توزیع

چالش مشترک هر دو نظام، یافتن نقطه تعادل میان کارآمدی کشف جرم پولشویی و تضمین حقوق بنیادین اشخاص است؛ تعادلی که در ایران به نفع حقوق فردی و در انگلیس به نفع کارآمدی سیاست جنایی متمایل شده و تفاوت بنیادین دو الگوی مقابله با پولشویی را شکل داده است.

تحلیل تطبیقی

فرآیند تدارک ادله در رسیدگی به جرم پولشویی، در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان با دشواری‌های بنیادی مواجه است. در این فصل، چالش‌های مشترک و اختصاصی دو نظام بررسی می‌شوند تا تصویری روشن‌مند از نقاط ضعف و تفاوت رویکردها به دست آید.

چالش‌های مشترک

نخستین چالش، پیچیدگی شبکه‌های مالی و تراکنش‌های چندلایه است. مجریان و طراحان پولشویی معمولاً از زنجیره‌ای از نقل‌وانتقالات بانکی و اعتباری بهره می‌برند که برای نهادهای قضایی و مالی، ردیابی منشأ وجوه را دشوار می‌کند (Levi & Reuter, 2006). در هر دو کشور، فقدان نظام تحلیلی جامع برای شناسایی الگوهای تراکنش‌های غیرعادی، موجب کاهش اثربخشی کشف منشأ پول می‌شود.

چالش دوم، استفاده از فناوری‌های مالی نوین و رمزارزها است. گسترش ابزارهای پرداخت برخط، کیف پول‌های دیجیتال و دارایی‌های رمزی، شفافیت تراکنش‌ها را کاهش داده است. در ایران هنوز قانون مستقلاً برای نظارت بر تراکنش‌های رمزارزی وجود ندارد و این خلأ، مانع دریافت داده‌های معتبر در تحقیقات مالی می‌شود. در انگلستان نیز مقررات اصلاحی سال ۲۰۱۹ تنها بخشی از فعالیت‌های مالی مجازی را تحت نظارت قرار داده است (راهنمای نهاد راهبرد امور مالی بریتانیا، ۲۰۲۰).

چالش سوم، فراملی بودن جرم پولشویی است. منشأ و مقصد جریان مالی غالباً در دو یا چند کشور قرار دارد و دستیابی به

ارائه نمی‌دهند و همین امر موجب تفاوت رویه محاکم در پذیرش یا رد این ادله شده است. این ناپایداری، پیش‌بینی‌پذیری تصمیمات قضایی را کاهش می‌دهد.

حقوق کیفری انگلیس

در حقوق کیفری انگلیس، چالش‌ها عمدتاً ناظر بر پیامدهای حقوق بشری ابزارهای گسترده مالی است.

نخست، چالش‌های حقوق بشری ناشی از دستورات مالی گسترده است. دستورات ارائه اسناد و توقیف حساب، که بر اساس قانون عواید حاصل از جرم ۲۰۰۲ اعمال می‌شوند، اگرچه کارآمدند، اما به دلیل دامنه وسیع و آثار شدید بر حریم خصوصی، همواره محل نقد دکنترین حقوق بشر بوده‌اند (Ashworth, 2018).

دوم، نقدهای وارد بر جابه‌جایی بار اثبات در دستورات ثروت نامتعارف است. این دستورات که به موجب قانون جرایم مالی ۲۰۱۷ وارد نظام حقوقی انگلیس شده‌اند، اشخاص را مکلف به توضیح منشأ دارایی می‌کنند. منتقدان، این سازوکار را در تعارض بالقوه با اصل برائت می‌دانند، هرچند رویه قضایی تلاش کرده است آن را به موارد استثنایی محدود کند (Montgomery, 2019).

سوم، نگرانی از مداخله بیش‌ازحد در حق مالکیت است. توقیف پیش‌دادرسی دارایی‌ها بدون اثبات نهایی جرم، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا توازن مناسبی میان کارآمدی کشف جرم و حمایت از حق مالکیت برقرار شده است یا خیر (Herring, 2020).

در تحلیل تطبیقی، حقوق کیفری ایران با رویکردی محافظه‌کارانه، اولویت را به نظارت قضایی و حمایت از حریم خصوصی داده است، اما این رویکرد در عمل به کاهش کارآمدی کشف ادله مالی انجامیده است. در مقابل، حقوق کیفری انگلیس با اتخاذ رویکردی مداخله‌گر، ابزارهای قدرتمندی برای تدارک ادله طراحی کرده، اما بهای آن افزایش تنش با اصولی چون اصل برائت و حق مالکیت بوده است.

مشکوک را معمولاً به عنوان قرینه تلقی می کنند نه دلیل قطعی؛ دلیل آن فقدان دستورالعمل های فنی برای ارزش گذاری داده های مالی در فرآیند اثبات جرم است.

۵-۳-۳. چالش های خاص حقوق انگلستان

نخستین چالش، تعارض میان حمایت از حقوق بشر و اعمال دستورات مالی سخت گیرانه است. قانون عواید ناشی از جرم مصوب ۲۰۰۲ و قانون جرایم مالی مصوب ۲۰۱۷، اختیاراتی را برای نهادهای تحقیقاتی جهت صدور دستور ارائه اسناد، توقیف حساب و دستور بررسی ثروت نامتعارف مقرر کرده اند (مواد ۳۴۵ تا ۳۴۷، ۳۰۳ تا ۳۰۳ز۱ و ۳۶۲الف تا ۳۶۲ث). این گستره اختیارات گاه با اصل حریم خصوصی مندرج در ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در تعارض تلقی می شود (Ashworth, 2018).

چالش دوم، هزینه های بالای تحقیقات مالی تخصصی است. اجرای مؤثر دستورات مالی نیازمند تحلیل داده های پیچیده، همکاری با نهادهای خارجی و برخورداری از کارشناس مالی است. گزارش نهاد حسابرسی ملی بریتانیا در سال ۲۰۱۹ نشان داده است که اداره مبارزه با جرائم مهم سالانه بیش از پنجاه میلیون پوند برای تحلیل مالی صرف می کند.

چالش سوم، احتمال سوءاستفاده از ابزارهای ادله محور است. در برخی پرونده ها، استفاده گسترده از دستور بررسی ثروت نامتعارف برای اقشار فاقد سابقه کیفری، به انتقاد فعالان حقوقی منجر شده است که آن را نقض ضمنی حق مالکیت مشروع دانسته اند. این وضعیت در رأی دیوان عالی بریتانیا در پرونده «اداره ملی مبارزه با جرایم علیه بیکر» سال ۲۰۱۸ مطرح شد.

نتیجه گیری

جرم پولشویی به عنوان یکی از پیچیده ترین جرایم اقتصادی معاصر، چالشی اساسی برای نظام های عدالت کیفری به شمار می آید. ماهیت فراملی، ساختار سازمان یافته، وابستگی شدید به

داده های بانکی خارجی منوط به همکاری قضایی بین المللی است. ایران به صورت کامل به کنوانسیون های بین المللی مبارزه با پولشویی نپیوسته است و تبادل اطلاعات تنها در قالب تفاهم نامه های دوجانبه انجام می شود؛ در حالی که انگلستان علی رغم عضویت در این کنوانسیون ها، در عمل نیز با محدودیت هماهنگی میان نهادهای بین المللی مواجه است (گزارش دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل، ۲۰۲۱).

چالش چهارم، همکاری محدود و گسست داده های مالی میان کشورها است. واحد اطلاعات مالی ایران (استناد به ماده ۳ قانون مبارزه با پولشویی اصلاحی ۱۳۹۷) تنها در چهارچوب توافقات خاص فعالیت دارد، و در انگلستان نیز واحد متناظر آن صرف نظر از عضویت در گروه اطلاعات مالی جهانی، هنوز با تأخیر در تطبیق داده های بین المللی روبه روست.

چالش های خاص حقوق ایران

نخست، ضعف ضمانت اجرا در قبال عدم همکاری نهادها است. ماده های ۴ و ۷ قانون مبارزه با پولشویی، مؤسسات مالی را مکلف به گزارش معاملات مشکوک می دانند، اما در صورت عدم ارسال گزارش، مجازات روشنی پیش بینی نکرده اند (شاگری، ۱۳۹۳: ۹۴-۹۲). این خلأ نظارتی، باعث کاهش انگیزه نهادهای مالی برای ارائه پیش دستانه اطلاعات می شود.

دوم، نبود ابزارهای مالی مستقل در مرحله پیش از دادرسی است. در قوانین ایران هیچ تجویز مستقلی برای درخواست ارائه اسناد یا توقیف حساب بانکی بدون صدور قرار قضایی وجود ندارد. مواد ۹۲ و ۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر کرده اند هرگونه دسترسی به اطلاعات مالی اشخاص منوط به حکم مقام قضایی است، که باعث کندی واکنش در برابر جریان های مشکوک مالی می شود (اردبیلی، ۱۴۰۰، ج ۲: ۳۳۵).

سوم، تمرکز بیش از حد بر اثبات سنتی و فقدان تحلیل فنی داده های مالی است. دادگاه ها گزارش های مربوط به معاملات

فناوری‌های مالی و بانکی و غیرمستقیم بودن ادله اثباتی این جرم، موجب شده است که شیوه‌های سنتی کشف جرم و اثبات کیفری کارایی محدودی داشته باشند. به همین دلیل، قانون‌گذاران در نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله ایران و انگلیس، با جرم‌انگاری مستقل پولشویی و شناسایی عواید حاصل از جرم، چارچوب‌های خاصی برای شناسایی، تعقیب و اثبات این پدیده طراحی کرده‌اند. در حقوق ایران، قانون اصلاحی مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷، رفتارهایی نظیر تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید نامشروع را در قالب تعریف قانونی پولشویی جرم‌انگاری کرده و در حقوق انگلیس نیز قانون عواید حاصل از جرم مصوب ۲۰۰۲، اعمالی مانند اختفا، انتقال و تملک اموال مجرمانه را به‌طور مستقل در زمره جرایم پولشویی قرار داده است.

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که هر دو نظام در پی تحقق دو هدف هم‌زمان، یعنی کشف مؤثر جرم و صیانت از حقوق بنیادین اشخاص هستند، اما تفاوت در ساختار نهادی و فلسفه مداخله کیفری، به شکل‌گیری الگوهای متفاوتی در حوزه تدارک ادله انجامیده است. در حقوق کیفری ایران، تدارک ادله پولشویی همچنان در چهارچوب کلاسیک آیین دادرسی کیفری قرار دارد. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، کشف جرم و تحقیقات مقدماتی را از وظایف مقام تعقیب دانسته و دسترسی به اسناد، اطلاعات مالی و داده‌های بانکی را منوط به دستور قضایی کرده است. بر این اساس، هرگونه بازرسی، استعمال بانکی یا دسترسی به داده‌های دیجیتال بدون مجوز مقام قضایی فاقد اعتبار قانونی تلقی می‌شود و فرآیند جمع‌آوری ادله به‌شدت به مداخله دادسرا وابسته است.

در همین چارچوب، واحد اطلاعات مالی و سایر نهادهای مالی و نظارتی در ایران، بر اساس قانون اصلاحی مبارزه با پولشویی، مکلف به دریافت و تحلیل گزارش‌های معاملات مشکوک و همکاری اطلاعاتی با مراجع قضایی هستند، اما از اختیار مستقل

برای تولید ادله الزام‌آور یا ارائه مستقیم آن به دادگاه برخوردار نیستند. نقش این نهادها عمدتاً نقش حمایتی و مقدماتی است و ادله حاصل از فعالیت آن‌ها تنها در صورت ورود به فرآیند قضایی، قابلیت استناد پیدا می‌کند. این ساختار، اگرچه با هدف صیانت از حریم خصوصی و تضمین دادرسی منصفانه طراحی شده، در عمل موجب کندی واکنش کیفری و کاهش توان نظام عدالت کیفری در مواجهه با جریان‌های پیچیده و سریع مالی شده است. افزون بر این، فقدان استانداردهای فنی صریح برای ارزیابی داده‌های مالی و دیجیتال، سبب شده است که این داده‌ها در رویه قضایی غالباً در حد قرائن باقی بمانند و کمتر به‌عنوان دلیل اثباتی مستقل مورد پذیرش قرار گیرند. در مقابل، حقوق کیفری انگلیس الگوی مداخله‌گرانه‌تری در حوزه تدارک ادله مالی اتخاذ کرده است. قانون عواید حاصل از جرم مصوب ۲۰۰۲، با پیش‌بینی ابزارهایی مانند دستورات ارائه اسناد، دستورات افشای اطلاعات و دستورات نظارت بر حساب‌های بانکی، به مقامات تحقیقاتی اجازه داده است که حتی پیش از طرح رسمی اتهام، به اطلاعات مالی اشخاص دسترسی پیدا کنند. این اختیارات که در فصل هشتم این قانون تنظیم شده‌اند، فرآیند تدارک ادله را از انحصار دادرسی سنتی خارج کرده و آن را به بخشی از سیاست جنایی پیشگیرانه تبدیل کرده‌اند. تحول مهم‌تر در این نظام با تصویب قانون جرایم مالی مصوب ۲۰۱۷ رخ داده است. این قانون با افزودن نهادهایی نظیر دستور تبیین ثروت نامتعارف و دستور توقیف و ضبط حساب‌های بانکی، امکان مداخله در دارایی‌های مشکوک را حتی بدون اثبات اولیه جرم منشأ فراهم ساخته است. در کنار این ابزارها، مقررات مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم مصوب ۲۰۱۷، اشخاص مشمول نظام مالی را به احراز هویت مشتریان، نگهداری سوابق و همکاری گسترده با نهادهای نظارتی مکلف کرده و بدین ترتیب، بخش خصوصی را به یکی از بازیگران اصلی تدارک ادله مالی تبدیل کرده است. با وجود این، گسترش اختیارات نهادهای مالی

چارچوب نظارت قضایی، توسعه ابزارهای قانونی پیشگیرانه و تدوین معیارهای فنی برای اعتبارسنجی ادله مالی و دیجیتالی است. تدارک ادله در جرایم پولشویی، در نهایت، معیاری برای سنجش بلوغ سیاست جنایی نظام‌های حقوقی در مواجهه با جرایم اقتصادی نوپدید به‌شمار می‌آید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Money laundering represents one of the most sophisticated manifestations of contemporary economic crime, emerging as a structural threat to financial integrity, market transparency, and the effectiveness of criminal justice systems. Unlike traditional offenses, money laundering operates through indirect and multilayered processes designed to disguise the illicit origin of criminal proceeds by means of transformation, concealment, integration, and cross-border financial circulation. The evidentiary dimension of this crime therefore assumes central importance because the success of criminal prosecution depends not primarily on eyewitness testimony or direct material proof, but on the reconstruction of financial behavior patterns and transactional data. Modern criminal policy increasingly treats evidence gathering as the decisive stage in combating laundering networks, transforming investigative strategies from reactive prosecution toward proactive financial surveillance. Within this framework, comparative analysis between Iranian and English criminal law offers an instructive model for understanding how different legal traditions conceptualize the relationship between procedural safeguards and investigative efficiency. Iranian criminal

و تحقیقاتی در حقوق انگلیس، چالش‌های جدی حقوق بشری به‌همراه داشته است. مداخله در اموال اشخاص و الزام به توضیح منشأ ثروت پیش از صدور حکم محکومیت، می‌تواند با حق احترام به حریم خصوصی و حق مالکیت در تعارض قرار گیرد و ضرورت رعایت اصل تناسب را برجسته می‌سازد. در مجموع، مقایسه این دو نظام نشان می‌دهد که حقوق ایران رویکردی محافظه‌کارانه با تأکید بر کنترل قضایی و حمایت از حقوق دفاعی اتخاذ کرده، در حالی که حقوق انگلیس کارآمدی کشف جرم و پیشگیری مالی را در اولویت قرار داده است. ارتقای کارآمدی نظام ایران مستلزم اصلاحات تدریجی، تقویت نقش نهادی واحد اطلاعات مالی در

law maintains a judicially centered evidentiary structure emphasizing legality and protection of individual rights, whereas English criminal law adopts a preventive and interventionist approach that empowers specialized institutions to detect suspicious financial flows at early stages. The theoretical justification for criminalizing money laundering lies in its intermediary function between predicate crimes and the reintegration of illicit assets into lawful economies, thereby enabling continued criminal activity and undermining economic order (Mir Mohammad Sadeghi, 2020). Consequently, evidentiary mechanisms must address complex financial realities rather than rely exclusively on classical procedural models originally designed for conventional crimes (Ashworth, 2018).

From a conceptual standpoint, money laundering consists of conduct performed after the commission of a predicate offense with the objective of concealing illegal origin and granting an appearance of legitimacy to criminal assets. Iranian legislation defines the offense through intentional acts such as acquisition, transfer, concealment, or utilization of illicit proceeds while requiring proof of knowledge concerning unlawful origin, thereby establishing a subjective threshold for criminal responsibility (Ardebili,

2021). English criminal law, conversely, employs a broader doctrinal construction in which reasonable suspicion or conscious disregard may suffice, reflecting an expanded preventive philosophy within financial criminal policy (Herring, 2020). The evidentiary implications of these differences are substantial. Evidence preparation in laundering cases encompasses identification, collection, preservation, forensic analysis, and presentation of financial and digital data before judicial authorities. Scholars distinguish between crime detection, evidence gathering, and evidentiary substantiation, emphasizing that financial information must undergo analytical transformation before acquiring judicial credibility (Goldstein, 2015). Financial records, banking transactions, corporate documents, and electronic datasets constitute primary sources of proof, yet they are frequently indirect and probabilistic rather than demonstrative. Investigators must therefore rely on patterns of abnormal transactions, unexplained asset growth, and interconnected accounts as circumstantial indicators capable of generating judicial conviction (Levi & Reuter, 2006). The technical nature of such evidence requires strict adherence to chain-of-custody standards and expert analysis to ensure admissibility and reliability, particularly when digital evidence is involved (Casey, 2011). These conceptual characteristics explain why laundering prosecutions increasingly depend on interdisciplinary cooperation between legal, financial, and technological institutions.

In Iranian criminal law, mechanisms for preparing evidence in money laundering cases remain primarily embedded within the general framework of criminal procedure and under direct judicial supervision. The amended Anti-Money Laundering Law establishes reporting obligations for banks, financial institutions, and regulated entities, requiring them to identify customers, retain transaction records,

and submit suspicious transaction reports to the Financial Intelligence Unit (FIU) (Heidari, 2018). The FIU performs analytical and supportive functions by transforming raw financial information into preliminary evidentiary material, but it lacks full institutional independence and cannot directly produce binding evidence without judicial authorization (Bagherzadeh, 2015). Investigative actions such as bank inquiries, searches, seizure of financial documents, or access to digital data must be ordered by prosecutors or investigating judges pursuant to criminal procedure regulations (Khaleghi, 2015). This centralized judicial control strengthens procedural legitimacy and protects privacy rights; however, it may also slow investigative response times and restrict proactive financial monitoring. The institutional architecture involves multiple actors—including prosecutors, specialized police units, supervisory authorities, and the Supreme Council for Anti-Money Laundering—whose cooperation forms a multi-layered evidentiary chain (Sarikhani & Fathi, 2015). Reports generated by financial institutions typically serve as preliminary indicators rather than independent proof, meaning that evidentiary value materializes only after judicial verification. Although reforms have expanded reporting mechanisms and institutional coordination, scholars note continuing challenges regarding technological validation of financial data and the absence of uniform judicial standards for evaluating digital evidence (Ashouri, 2019). As a result, Iranian evidentiary practice remains predominantly reactive and prosecution-oriented.

English criminal law demonstrates a structurally different model in which financial regulation and criminal investigation operate as integrated components of anti-laundering policy. The Proceeds of Crime Act 2002 establishes extensive investigative powers

allowing authorities to intervene even before formal criminal charges are brought. Production orders compel individuals and financial institutions to disclose documents and transactional information, thereby transforming private financial data into legally enforceable evidence (McLean & McLean, 2013). Search and seizure powers, disclosure orders, and customer information orders further enable investigators to reconstruct financial activities with considerable autonomy (Spencer, 2021). Monitoring orders permit continuous observation of bank accounts, reflecting a dynamic approach in which evidence gathering becomes an ongoing investigative process rather than a single procedural stage (Rider, 2019). The Criminal Finances Act 2017 introduced unexplained wealth orders, requiring individuals to justify the lawful origin of assets disproportionate to declared income, thereby partially shifting evidentiary burdens and facilitating early intervention against suspicious wealth accumulation (McFarlane, 2018). Specialized institutions such as the National Crime Agency and Serious Fraud Office operate with substantial investigative independence and collaborate closely with financial institutions that are legally obligated to implement risk assessment and suspicious activity reporting systems (Herring, 2020). Within this framework, financial evidence becomes the starting point of criminal proceedings rather than merely supporting proof, illustrating an interventionist criminal policy designed to prevent asset dissipation and disrupt illicit financial networks at their inception.

Comparative analysis reveals that the fundamental divergence between Iranian and English systems lies not only in procedural tools but in the conceptual status of evidence within criminal policy. Iranian law treats evidence preparation as an extension of judicial proceedings, emphasizing legality, due process, and centralized oversight. This model

preserves individual rights but limits institutional flexibility and investigative speed, especially in technologically complex financial crimes (Karimi, 2023). English law, by contrast, relocates evidentiary production into administrative and regulatory spheres, allowing financial authorities and specialized agencies to generate legally effective evidence independently of formal prosecution stages (Gilmore, 2011). Institutional independence enables rapid intervention and comprehensive data analysis but simultaneously raises concerns regarding proportionality, presumption of innocence, and protection of property rights (Ashworth, 2018). Both systems therefore confront a shared dilemma: balancing efficiency in combating sophisticated economic crime against safeguarding fundamental legal guarantees. Iranian practice tends toward judicial conservatism, whereas English practice prioritizes preventive efficiency through expansive financial powers. The comparative findings suggest that effectiveness in anti-money laundering enforcement depends less on criminalization itself than on the structural integration of financial regulation, technological expertise, and evidentiary standards capable of addressing modern economic realities.

In conclusion, money laundering exemplifies the transformation of criminal justice in the era of globalized finance, where evidentiary mechanisms determine the success or failure of prosecution more decisively than substantive criminal definitions. The comparative examination of Iranian and English criminal law demonstrates two distinct models of evidentiary governance: a judicially controlled system grounded in procedural guarantees and a preventive institutional model centered on financial intelligence and early intervention. Each approach reflects differing priorities between rights protection and enforcement efficiency,

yet both seek to reconcile criminal justice legitimacy with the practical necessity of tracing concealed financial activity. Strengthening the effectiveness of anti-money laundering strategies ultimately requires harmonizing legal safeguards with technological capability, enhancing institutional cooperation, and developing coherent standards for recognizing financial and digital evidence within contemporary criminal adjudication.

References

- Abbasi, A. (2021). *Economic Criminal Law of Money Laundering* (2nd Edition ed.). Mizan Publication.
- Ansari Pirsaraei, Z., & Shahbahrani, A. (2014). The Necessity of Using Money Laundering Detection Systems in Electronic Banking. *Trend Quarterly*, 21(68), 179-212.
- Ardebili, M. A. (2021). *General Criminal Law, Volume 2* (49th Edition ed.). Mizan Publication.
- Ashouri, M. (2019). *Criminal Procedure, Volume 2* (16th Edition ed.). SAMT Publications.
- Ashworth, A. (2018). *Principles of Criminal Law* (8th ed.). Oxford University Press.
- Bagherzadeh, A. (2015). *Money Laundering in Iranian and English Law and International Documents* (1st Edition ed.). Mizan Publication.
- Casey, E. (2011). *Digital Evidence and Computer Crime* (3rd ed.). Academic Press.
- Gilmore, W. C. (2011). *Dirty Money The Evolution of Money Laundering Counter-Measures* (4th ed.). Council of Europe Publishing.
- Goldstein, A. S. (2015). *The Limits of the Criminal Sanction* (2th ed.). University of California Press.
- Heidari, M. (2018). A Comparative Study of the Crime of Money Laundering in Jurisprudence, Iranian Law, and International Documents. *Quarterly Journal of Comparative Research on Islamic and Western Law*, 5(3), 67-90.
- Herring, J. (2020). *Criminal Law Text- Cases and Materials* (9th ed.). Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/he/9780198848479.001.0001>
- Karimi, S. (2023). *Evidence in Criminal Matters* (13th Edition ed.). Majd Publications.
- Khaleghi, A. (2015). *Notes on the Criminal Procedure Code* (4th Edition ed.). Shahr-e Danesh Institute for Law Research and Studies.
- Levi, M., & Reuter, P. (2006). Money Laundering. In *Crime and Justice A Review of Research* (2th ed., Vol. 34). The University of Chicago Press. <https://doi.org/10.1086/501508>
- McFarlane, B. (2018). Unexplained Wealth Orders and the Criminal Finances Act 2017. *The Journal of Criminal Law*, 82(2), 98-112.
- McLean, I., & McLean, N. (2013). *Searching and Seizure of Criminal Property: Commentary on the Proceeds of Crime Act 2002* (2th ed.). Sweet & Maxwell.
- Mir Mohammad Sadeghi, H. (2020). *Specific Criminal Law (Offenses Against Public Interests), Volume 2* (26th Edition ed.). Mizan Publications.
- Montgomery, H. (2019). *Financial Crimes and Asset Recovery UK Perspective after the Criminal Finances Act* (3th ed.). Publishing Routledge.
- Mousavi Esfahani, Z. a.-S. (2015). *Introduction to the Crime of Money Laundering and Ways to Combat It* (1st Edition ed.). Farhang-e Parsian Publisher.
- Reuter, P., & Truman, E. (2004). *Chasing Dirty Money The Fight Against Money Laundering* (4th ed.). Institute for International Economics.
- Rider, B. A. K. (2019). *Research Handbook on International Financial Crime* (2th ed.). Edward Elgar Publishing.
- Sarikhani, A., & Fathi, M. (2015). Objective Elements of the Crime of Money Laundering in the Iranian Anti-Money Laundering Law and International Conventions. *Journal of Criminal Law and Criminology Studies*, 2(4-5), 237-256.
- Sedghitabar, R. (2017). *Legal Foundations and Providing Solutions for Combating Money Laundering in the Iranian Banking System and International Banking* Islamic Azad University Safadasht Branch]. Safadasht.
- Smith, J. C. (2016). *Smith and Hogan's Criminal Law* (14th ed.). Oxford University Press.
- Smith, L. (2019). *Money Laundering Law and Regulation* (5th ed.). Publishing Bloomsbury Professional.
- Spencer, J. R. (2021). *Evidence of Financial Crime in the UK Criminal Process* (3th ed.). Cambridge University Press.